

توضیح: متن زیر مذاکرات بین دو سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و بخش مارکسیست شده سازمان مجاهدین خلق ایران است که از روی نوار های صوتی به صورت نوشتار در آمده است.

با سپاس از رفتائی که در امر تبدیل گفتاری آن مذاکرات به صورت نوشتاری، شرکت کردند.  
سایت سیا هکل - اکتبر ۲۰۱۱

## (نوار شماره شش - قسمت اول)

بهرروز ارمغانی: این جنبش اعتراضی ماهیت گروهی دارند و افشار مختلفی در این گروه ها شرکت می کنند. به نظر من بعضی از گروه ها هستند که به طور کلی یعنی با توجه به سوابق کار و پراکنگی که داشتن همیشه گفتش که در این ها این مساله مبارزه با به اصطلاح مخالفت با مبارزه مسلحانه یک مساله ای هست به اصطلاح پخته شده و با درک کامل منافع خودشون این موضع را گرفتند، ما اون ها را می گذاریم کنار

تقی شهرام: بله مثلا حزب توده

بهرروز ارمغانی: مثلا حالا فرض کن .

تقی شهرام: سمبل اش اینه دیگه

بهرروز ارمغانی: بله ، سمبل شون اینه به قول ...

تقی شهرام: اینه

بهرروز ارمغانی: این ها رو بذاریم کنار و با این ها ما هیچ وقت به اصطلاح وحدتی هم نمی تونیم داشته باشیم.

هر چند که این ها در چارچوب وحدت ضد دیکتاتوری هم بگنجد مثلا

تقی شهرام: خوب، که واقعا نمی گنجد هم ها یعنی فقط صرفا در همان شاید مثلا بیگیم در چهارچوب چارچوب

مثلا حزب توده را هم ما نمی تونیم به صورت یک سازمان

بهرروز ارمغانی: ضد دیکتاتوری هم بذاریم

تقی شهرام: آها، چون واقعا به سازمان پلیسیه، حتی پلیس توش نفوذ داره. یعنی ما واقعا این اطمینان را هم

نداریم که پلیس توش نباشه، تو رهبریش نباشه حتی،

بهرروز ارمغانی: بعد گروه های هستند که بعضی عناصر این ها

تقی شهرام: بله

بهرروز ارمغانی: که عمدتا هم عناصر رهبری این گروه ها هستند احيانا اگر گروه رهبری انسجاماتی داشته باشد

چون بعضی ها هستند که اصلا به طور کلی حالت گروهی ندارند بلکه شکل به اصطلاح تجمع طبیعی افرادند.

یعنی فامیل اند با هم یا مثلا دوست و آشناهای قدیمی اند، و هیچ به اصطلاح انسجام گروهی هم ندارند، حالا

این ها هم به پروسه دیگه س...

تقی شهرام: صحیح .

بهرروز ارمغانی: ولی اون گروه هایی که انسجام گروهی هم دارن عمدتا رهبری این گروه ها به اصطلاح بیشتر

نزدیک به اون عناصر اولیه گروه بود، ولی کادرهای این گروه ها می تونن عناصری باشن که به قول تو که هنوز در

مورد موضع خودشون جا نیافتادن

تقی شهرام: بله.

بهرروز ارمغانی: و میشه با این ها با توجه به این که رهنمودهای ما به اصطلاح یا حتی پاره ای از در اختیار

گذاشتن تجربیاتی که اونا از آگاهی بهش ندارند میشه در بین این ها افرادی به وجود بیاره که تمایل به مبارزه

مسلحانه را هم درشون ایجاد کنه

تقی شهرام: درسته.

بهرز ارمانی: و اتفاقا آگاه هم باشن به این قضیه که این تمایل درست در این رابطه است که این افراد خودشون ازاون آریستوکراسی کارگری نیستن

تقی شهرام: درست. آهان این نکته مهمه، هستن بین شون که در واقع جزو آریستوکراسی کارگری نیستن

بهرز ارمانی: ولی در دام این آریستوکراسی افتاده اند

تقی شهرام: درست افین

بهرز ارمانی: ما می تونیم با مرزندی این مساله

تقی شهرام: بله

بهرز ارمانی: که البته همیشه با بحث های مفصل تر و با ارایه تجربیاتی در این مورد وجود داشته و اینها

تقی شهرام: بله

بهرز ارمانی: می تونیم این مرزندی را بکنیم که عمدتا نیروی مون رو صرف این گروه ها بکنیم این افراد بکنیم.

تقی شهرام: خیلی خوب.

بهرز ارمانی: و حالا

تقی شهرام: در شکلش فقط بحث می مونه، یعنی واقعا در محتوا ما هیچ اختلافی در این جا یعنی ما توافق

داریم در واقع در مساله این که باید با این ها فقط برخورد کرد و عناصر صحیح و درست حسابی شون رو از

توشون جذب کرد و تحت چارچوب ها و هدف های خودمون سازمانشان داد، ببینید ما اصلی ترین هدفمون اینه

اینرا را بیاریم نیروهاشون رو جذب کنیم تحت هدف های مبارزه مسلحانه، اینرا رو چکار کنیم سازمان بدیم هر چی

بیشتر در واقع اینرا را بکشونیم به این سمت در یک جریان چی؟ مبارزه و این جریان مبارزه باید در یک چارچوبی در

یک شرایطی در یک شکلی صورت بگیره ما این شکلش رو پیشنهاد کردیم که آقاجون بیان در یک چارچوب

جبهه ای، حالا شما میگرد که این چارچوب جبهه ای واقعا به معنای اینکه به رسمیت می شناسیم خط اونرا رو،

نه، ما خط فاصله مون رو تعیین می کنیم تو این جبهه، اصلا امکان داشت بیرونشون ...

حمید اشرف: قبل از تشکیل تعیین می کنین یا بعدش؟

تقی شهرام: تعیین می کنیم، تعیین می کنیم، قبل از تشکیل تعیین می کنیم. مشخصا قبل اش، یعنی ما

مسلمنا نمی تونیم با یک حالت در به سازمان مخدوش هر چند سازمان، سازمان واحد نباشه، یعنی به سازمان

جبهه ای حتی به طور مخدوش شرکت کنیم. معنا نداره

بهرز ارمانی: بدون مرزندی همیشه به سازمان را شرکت کرد مرزندی لازمه

تقی شهرام: مرزندی لازمه، یعنی اول باید در اصول چکار کنیم مرزندی بکنیم، بگیم آقا این این و شماهم

این و این و این، حالا میایم مثلا تو به جبهه کار می کنیم و بعد این ضوابط هم باید رعایت بشه این برخوردها هم

بشه و الاخر، می دونی چرا برای این که ما از خودمون می دونی شک نداریم ببینین ما معتقدیم ما مثلا تو،

واقعا برخورد کردیم با اینا ما هر چه بیشتر سعی می کنیم مثلا با عناصر بیشترشون برخورد کنیم چون اینا مثلا

میرن مثلا با یکی دوتاشون می خواد برخورد بشه و اینا ما مطمئن نیستیم که میرن به همه کادشون حرف های

ما را سیاسی کارها منتقل می کنند چون نمی کنن واقعا، ما که از خودمون شک نداریم ما به اندازه کافی دلیل و

فاکت داریم، دقت میکنی، حتی مثلا جالبه اینا همون متونی که مثلا ما گذاشته بودیم با یکی از اینا، اصلا "چه

باید کرد" را گفتیم بخوونیم باش، گذاشتیم گفتیم باباجون بیا بشین "چه باید کرد" بخوونیم، اصلا ما با شما، اصلا

نمی دونستن ما سازمانیم ها، یعنی هنوز فکر می کردن ما به گروه مارکسیستی ایم. بیا بشینیم مثلا "چه باید

کرد" بخوونیم، تو همون "چه باید کرد" بهشون نشون می دادیم و نشون دادیم که چگونه نقطه نظرای اینا چیه،

انحرافی، اینا در واقع اکونومیست های خرده کاری بیش نیستن، یعنی منتهی اینو ما نمی تونیم، یعنی ما فقط

دو نفرشون می تونیم اما در به جبهه می تونیم درصد کل سازمان شون گروه شون بکنیم

بهرز ارمانی: ولی مهم تر از این مساله که من گفته بودم تایید کردیم این بود که ما بدونیم که اینا واقعا رابط

با همون آریستوکراسی کارگری نیستن.

تقی شهرام: آخه اینو دیگه می دونی اینا ما مجبوریم به طور مشخص تحلیل کنیم  
بهرروز ارمغانی: آهان همون دیگه به تحلیل مشخص از گروه های مشخص میشه.  
تقی شهرام: باریکلا، خوب ولی این آیا قبلا معنایش آیا این نیستش که ما یک زمینه ای را بذاریم برای این که به  
جایی با اینا برخورد کنیم بعد آن وقت به طور مشخص بریم جلو و بچه شونو بچسیم  
حمید اشرف: اونجا اجتماع است ...

تقی شهرام: هان؟

حمید اشرف: اجتماع ست

تقی شهرام: خب اجتماع ست، خیلی خوب.

حمید اشرف: اون جایی که باهاشون برخورد می کنید همون جایی ست که الان هم دارید برخورد می کنید.

تقی شهرام: باشه

حمید اشرف: و شما دارین "چه باید کرد" رو باهاشون می خونین، تاثیر می گذارین ... و چقدر هم جالبه این  
کاری که می کنین.

تقی شهرام: بله، خوب ما این کارو داریم می کنیم ولی آخه به مساله هست الان ما داریم اینکارو می کنیم می  
دونن چه جوری داریم می کنیم گفتم به این عنوان ... این طرفدارا با ما تماس می گیرند که ما جزو سازمان  
های مثلا مسلح نیستیم، فکر می کنید که مثلا به گروه اند و این گروه هم حالا الان با اینا برخورد می کنه... و  
هنوز هم

حمید اشرف: اتفاقا این کار خوبی

تقی شهرام: و هنوز هم مثلا مشخص ...

حمید اشرف: یعنی نتیجه عملی اش کاملا محرز و مورد تاییده در صورتی که شما بتونید این ها رو در عمل اگر  
عناصر صادقی باشن ... واقعا

تقی شهرام: همین مساله اتفاقا برای ما همین مطرحه، که ما بتونیم هر چه بیشتر عناصری از این، عناصری به  
اصطلاح واقعا ... مساعدی که در درون این ها هستن و عمدتا کارگرای ساده را یعنی لامذهب کارگرای ساده  
شون هم که نمیان با ما بحث کنن همون تیپ های روشنفکرون میان، و جالب این جاست که اینا که  
خودشون واقعا تا مغز استخون روشنفکرن، این جنبش مسلحانه ایی ها رو، عجیب میگن اینا به مشت  
روشنفکرن، خیلی جالبه اینا به اعتبار مثلا فرضا هفت هشت ده ساعتی که میرن تو کارخونه کار میکنن، فکر می  
کنن که دیگه کمر گول رو شکستن و حالا دیگه مثلا صد در صد هم پرولتر شدن، نمیان که بگن نقطه نظر مثلا  
واقعا غیرپرولتری دارن، نمیان بگن تفکرات شون چقدر در واقع بورژوازی و چقدر به منافع بورژوازی خدمت می  
کنن، اینا رو نمی خواهن بپذیرن، و ولی می دونید هنوز تنگه یعنی هنوز این برخورد با این ها کوچک و تنگه، و ما  
می خواهیم شیوه های بهتر و اصولی تر و در واقع گسترده تری در پیش بگیریم، چرا چون قدرت داریم ببینیم اگر  
جنبش مسلحانه قدرت نداشت ما واقعا خیلی باید احتیاط می کردیم ولی بقول لنین کسی که از خودش  
اطمینان نداره از وحدت هم می ترسه، درست. بین وحدت اول باید اصول تعیین بشه، برنامه مشخص بشه بعدا  
یه چارچوب می داریم برایش، ما که نمی ترسیم در واقع از برخورد با اون ما چه ترسی داریم.

بهرروز ارمغانی: آخه مساله ترس نیستش، مساله چیز دیگه ست

تقی شهرام: می دونم واقعا ترس نیست ها، می دونم شما هم نمی ترسید، ولی وقتی که ما می تونیم در  
واقع بریم و برخورد کنیم و در یک چارچوب وسیع تری، وسیع تر درواقع با اینا برخورد بکنیم و مبارزه ایدئولوژیک  
مان را گسترده کنیم در سطح اینا، چرا نکنیم؟

بهرروز ارمغانی: خوب بین تو این مساله برای من یه سوال پیش اومد در ارتباط با تو این جا که گفتی که چون به  
دلیل این که آنها معتقد اند که شما سازمان مسلحی نیستین

تقی شهرام: آها

بهروزارمغانی: اینا با شما حاضر به ...

تقی شهرام: حالا البته ما ضرورت

بهروزارمغانی: ولی واقعیت به چه شکله؟

تقی شهرام: هیچی

بهروزارمغانی: یعنی اگر بدون قطع تماس می کنن؟

تقی شهرام: نمی دونیم

بهروزارمغانی: هان این مساله یه مقدار

تقی شهرام: نمی دونیم. چون از نظر امنیتی اشکال داره قضیه

بهروزارمغانی: نه حالا اونو کار ندارم، میگم که این مساله به طور کلی یه خرده خطوط اون جبهه رو روش میکنه

ها

تقی شهرام: که چی؟

بهروزارمغانی: اگر واقعیت اینه که این گروه ها حتی حاضر با تماس با امثال مجاهدین نیستند

تقی شهرام: آخه تقصیر ماست، ببینین این ما الان به دلیل امنیتی ما نتونستیم این کار رو بکنیم این دلایل

امنیتی داشت طرف نمی خواست بگه که مثلا من عضو مجاهدینم

بهروزارمغانی: خوب آره ولی به غیر از دلایل امنیتی چیز دیگه ای نداشت؟ یعنی اگر احیانا می گفت می گفت

ما ارتباط مون رو قطع می کنیم یا نه؟

تقی شهرام: اینو ما نمی دونیم دقیقا. می دونی

بهروزارمغانی: آهان

تقی شهرام: اینو دقیق الان چون تجربه در مورد این گروه نکردیم.

بهروزارمغانی: بله

تقی شهرام: نمی دونم، دقیقا نمی دونم. شاید مثلا می گذاشت می رفت. شاید نمی رفت، شاید می گفت

مثلا این برخوردش مثلا عوضی تر می شد، نمی دونم حالا اینو باید ما هنوز با اون رفقای رابط و اینا هنوز صحبت

نکردیم که اگر این جور آدمها بگن ما بگیم بهشون چی می گن، ولی منظور ما این جاست که اگر هم حتی اونا

بذارن برن معنانش این نیست که ما ولشون کنیم، ما یقه شون نجسیم بذاریم برن در میرن از ما، امکان داره یه

عده شون هم بذارن دربرن، برای این که واقعا می ترسن، می ترسن ضعف دارن ما نباید ولشون کنیم برن باید

یقه شون بچسیم چکار دارید می کنید شما، دارید خیانت می کنید.

بهروزارمغانی: خب مگه میشه بشون گفت؟

تقی شهرام: نه خوب درست در یک چارچوب تئوریک

بهروزارمغانی: همون

تقی شهرام: در یک چارچوب سازمانی، در یک چارچوب تئوریک ببینید اینو می خواهم بگیم، والا ما بقول معروف

ما کشته مرده این آدمها نیستیم که بخواین مثلا فرض کن بیان برن تو کارخونه کار بکنن و یا مثلا یعنی واقعا

چیزی هم نداریم یعنی حساب خرده ای هم باشون نداریم، یعنی قضیه این جاست که ما می خواهیم شیوه

های صحیح مبارزه ی ایدئولوژیک رو واقعا دنبالش بریم و اون شیوه های صحیح که ما را به این طرف می رسونه

پیدا کنیم نه این که این فحش و فحش کاری که گروه های خارج می کنن الان جاهایی هست دیگه، این قضایا ما

اینیم حالا تو این بحث بریم جلو.

حمید اشرف: پس اگر برای شما امکان داشته باشه این خطوط رو با توجه به تجاربی که پیدا کردید و جمع بندی

که دارید در چاپ دوم

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: اون جزوه اعلام مواضع

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: منعکس اش بکنید، فکر می کنم جنبه های مثبتی داشته باشه  
تقی شهرام: والا ما راجع به چاپ دوم هنوز فرصتی یعنی چاپ می خواهیم بکنیم، قصد داشتیم به مقدمه دیگه سرش بذاریم، به سری باز مسایلی پیش اومد نشد، اگر که، از نظر یعنی می خواهیم می تونیم بحث بکنیم، چون ما فکر می کنیم که اون کافیه شما بگید اشکالاتش چیه، ما توضیح می دیم، تو این چاپ دوم حتما به مقدمه می ذاریم، متوقفش می کنیم تا مقدمه زده بشه.

حمید اشرف: اشکالات اش که خوب اون در حقیقت چیز مشخصی نیست، فقط باید اول انگیزه ها، هدف هامون خیلی دقیق

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: در رابطه با این مساله جبهه واحد مشخص بکنیم.

تقی شهرام: بله خوب ما الان واسه همین اومدیم این جا نشستیم.

حمید اشرف: مرزبندی رو، مرزبندی نیروها رو، اولاً نیروهای موجود را تحلیل بکنیم و مرزبندی میان نیروها را مشخص بکنیم و شعارهای جبهه را هم مشخص بکنیم.

تقی شهرام: آخه این ها را من نمی تونم بکنم که، ما نمی تونیم بکنیم که عزیزم.

حمید اشرف: نه ببینید

تقی شهرام: این کار رو باید بشینیم...

حمید اشرف: شما در اینجا پیشنهاد دهنده هستید

تقی شهرام: آهان باشه ببینین به مساله رو شما در نظر بگیرید ببینید رفقا به مساله رو در نظر بگیرید شما خوب می دونید ما هم خوب می دونیم که در وحله اول آنچه که اهمیت داره تو جبهه برای ما وحدت با شماست. این رو بدون هیچ رو در واسی می گیم، شوخی بردار که نیستش این قضیه، یعنی واقعاً برای ما وحدت با شما اصله، ولی معنانش این نیستش که اگر واقعاً شما خواهان وحدت نباشید ما با نیروهای مبارز دیگه متحد نمی شیم، این هم هستش که وقتی می گیم وحدت با شما اصله در این مورد که اگر واقعاً نظرات شما برای ما خیلی برای ما به اصطلاح قابل استماعه، یعنی می شنیم بحث می کنیم و قبل از اینکه حتی یعنی ما این امکان رو اگر اون مسائل پیش نبود یعنی شما مطمئن باشید که اگر قبل از این که یعنی ما این شعار این جبهه را بخوایم بدیم، اگر اون مسایل نبود و شما مواضع رو نمی گرفتید و یا حتی مثلاً اون شعارهای وحدتی که نوشتید و واقعاً باز هم ما را متقاعد کردید که ما نمی تونیم با شما بحثی داشته باشیم، چون واقعاً خیلی دور هستید از مواضع ما، حالا با همان نقطه نظرهای حتی غلطی که داشتید ما طرح می کردیم ما قبل از این که اعلام بکنیم اینو با شما طرح می کردیم و می گفتیم خوب حالا شما چی می گید ما خوب اون جا مسایل جبهه رو می گفتیم آقا ما به چیزهایی می گیم، هیچ دلیلی نداره که حالا تمام ضوابطش همین باشه یا اصلاً ضوابط دیگه ای نخواهد داشته باشه، نه به طرح نه به پیشنهاد شما یا هر کس دیگری هر نظری می خواهد داشته باشه، و ما با همین زمینه کار می کنیم یعنی فردا حالا با شما داریم واقعاً یعنی مساله خیلی روشنه، شما نظراتی دارید می گید واقعاً به جاش ایراده یا این ضوابط باید اضافه شه، ما اگه قبول داشته باشیم، بشینیم به توافق برسیم تو جا به جایی این ضوابط رو هم اضافه می کنیم، مساله ای نیست از نظر ما

حمید اشرف: من فکر می کنم برای اینکه پاسخ بتون بدن نیروها به این جبهه

تقی شهرام: ضوابط اش باید معلوم تر بشه.

حمید اشرف: ضوابط اش باید معلوم تر بشه

تقی شهرام: آخر این

حمید اشرف: پاسخی نیروها نخواهند داد به این جبهه

تقی شهرام: چرا ، مسلما این طور نیست یعنی در واقع خوب به پاسخ این طوری میدان که، با ما وارد به سری مباحثاتی می شن و خوب این پاسخ معلومه که از درون این مباحثات به یک توافقی اگر رسیده بشه پاسخ میدان، این حتما که نمی خوان به چیز سند کتبی از ما بگیرن چون به مساله ای ، تجربه اش تو ایران نیست، به چیزیه که در واقع ما که نمی خواهیم حرف بزیم فقط که ما دنبال اش هستیم داریم کار هم داریم می کنیم که به این به اصطلاح تئوری ...

حمید اشرف: شما ... این جبهه ای که شما توصیه می کنید جبهه واحده

تقی شهرام: خیلی خوب

حمید اشرف: جبهه واحد یک معنی مشخصی داره، جبهه ای که تمام نیروها رو شامل بشه

تقی شهرام: آخه عملا ما می بینیم که نیروهایی که دارن مبارزه می کنند در ایران جبهه واحد مرکب از نیروهای واحد در جبهه نبرد، یعنی عملا اینا که دارن مبارزه می کنن با رژیم معلوم هم هست که چه کسانی هستند، جبهه معلومه، به جبهه مبارزه امپریالیستی داریم ما، مبارزه ضدامپریالیستی معلومه، مرکب از نیروهای پرولتاریا مرکب از نیروهای خرده بورژوازی، جناح های مختلف اش، و به مبارزه مثلا فرض کن احیانا از جناح های مختلف اش دیگه مثلا مبارزه دهقانی و فلان اینا توش می گنجه، و همینه و این جبهه خب اسمشو گذاشتیم واحد معنایش اینه یعنی این که همه نیروها می تونن وقتی علیه رژیم به موضع اصولی مبارزه جویانه ای داشتند تو این جبهه بیان، آیا شما با این مخالف اید؟ یعنی اصلا با اصل واحد بودن جبهه مخالف اید؟ تو ایران مثلا چند جبهه باشه مثلا به جبهه مثلا ضد فرض کنید که بورژوازی باشه، به جبهه مثلا ضد امپریالیستی آمریکا باشه، به جبهه مثلا ضد فرض کنیم سلطنت باشه چی، چه جوری چند تا جبهه می تونه باشه.

حمید اشرف: ولی ما معتقدیم با توجه به این که نیروهای طبقاتی هنوز در جامعه شکل گرفته نیستن و افشار مختلف طبقاتی ...

تقی شهرام: همین حرف و صحبت شماست در شعارهای وحدت

حمید اشرف: ... به اصطلاح